



احمد نوجوان  
تهیه کننده:

## دنبال نمایش زندگی بودیم، نه شعار

**ایده‌ی ساخت سریال «رویای ریحانه» چطور شکل گرفت و چه عاملی باعث شد این پروژه را بپذیرید؟**

ایده‌ی اصلی سریال برگرفته از مجموعه‌ای مستند بود که پیش‌تر در حوزه جمعیت و فرزندآوری ساخته شده بود. ما با یک تیم جدید تصمیم گرفتیم آن مستندها را به فیلمنامه‌ای داستانی تبدیل کنیم. در واقع، پژوهشی بر اساس سوژه‌های واقعی انجام شد و هر سوژه در قالب فیلمنامه‌ای داستانی بازنویسی شد.

با توجه به اینکه موضوع جمعیت و فرزندآوری تا امروز کمتر مورد توجه قرار گرفته، احساس کردیم لازم است در این زمینه کاری انجام شود. همچنین با توجه به سیاست‌های کلی جمعیتی کشور و سند تحول سازمان، طرح را ارائه دادیم و خوشبختانه با استقبال مدیران مرکز سیمرغ مواجه شد و سریال ساخته شد.

**قطعا تصویری از نتیجه‌ی نهایی در ذهن داشتید. حالا که سریال به مرحله‌ی پخش رسیده، چقدر آنچه روی آنتن رفته با تصویر ذهنی شما تطابق دارد؟**

بازخوردهایی که تا امروز از مردم گرفتیم، چه در فضای مجازی و چه در ارتباط‌های مستقیم، مثبت بوده است. این بازخوردها از دل مردم آمده، نه از منتقدان خاص یا حرفه‌ای‌ها. ما تمام تلاش مان را صادقانه انجام دادیم تا به همان تصویری برسیم که از ابتدا در ذهن داشتیم.

با کمک گروه تولید و هر دو کارگردان جوان و باتجربه‌ی خانه‌ی تولیدات جوان، فکر می‌کنم تا حد زیادی به هدف مان نزدیک شدیم. میزان تأثیرگذاری را در نهایت مردم تعیین می‌کنند. امیدوارم سریال را بپذیرند و دوست داشته باشند.

**اشاره کردید که ایده‌ی اولیه بر پایه‌ی مستندهایی پیشین شکل گرفته است. به نظر می‌رسد تبدیل آن‌ها به فیلمنامه‌ی داستانی کار ساده‌ای نبوده. درباره‌ی چالش‌های تولید، به‌ویژه در این بخش، بفرمایید.**

تولید همیشه با چالش همراه است و اگر بگوییم نداشتیم، حرفی شعاری زده‌ایم. اما خوشبختانه تیمی یک‌دل و هماهنگ داشتیم و همین باعث شد بسیاری از مشکلات برطرف شود.

یکی از چالش‌های اصلی ما ساخت لوکیشن زایشگاه بود. با توجه به محور اصلی داستان و سوژه‌هایی که انتخاب کرده بودیم، این فضا نقش مهمی در روایت داشت و لازم بود دقیقاً مطابق فیلمنامه ساخته شود. به نظرم این کار نیاز به درک روان‌شناسی محیط داشت. با همکاری طراح صحنه و کارگردانان، توانستیم به نتیجه‌ی مطلوب برسیم. هرچند فرآیند ساخت واقعاً سخت و زمان‌بر بود.

**یعنی زایشگاه را بازسازی کردید؟**

بله. با همکاری دوستان در بیمارستان بعثت نیروی هوایی ارتش، محوطه‌ای در اختیار ما قرار گرفت که هم ساختمان داشت و هم حیاط، اما فضای مدنظر فیلمنامه متفاوت بود. بنابراین تصمیم گرفتیم زایشگاه را مطابق نیاز قصه بازسازی کنیم. این کار دو مرحله انجام شد: یک‌بار برای ساخت زایشگاه اصلی و بار دیگر برای بازسازی صحنه‌هایی که در دل قصه اتفاق می‌افتاد.

**روند انتخاب بازیگران سریال چطور انجام شد و چه تدبیری برای حضور چهره‌های جدید و ترکیب آن‌ها با بازیگران شناخته‌شده داشتید؟**

در واقع از دل همان فراخوانی که داده بودیم، برخی از بازیگران مهمان انتخاب شدند. اگر دقت کنید، در سریال ما چند چهره‌ی تازه وجود دارد که بسیار توانمند هستند. تدبیر ما این بود که آن‌ها را با بازیگران شناخته‌شده‌تر سینما و تلویزیون تلفیق کنیم. فکر می‌کنم همین، خودش نوعی فرمول جوان‌گرایی محسوب می‌شود. برای انتخاب بازیگران اصلی هم بعد از طراحی و



مادری را بازی می‌کردم که موافق فرزندآوری است و آن باور را انتقال می‌دهد. هنوز هم معتقدم وقتی کسی می‌خواهد صاحب فرزند شود، باید خودش به توانایی و کمال کافی رسیده باشد تا بتواند فرزند را در محیط سالم پرورش دهد.

**چه چیزی در فیلمنامه‌ی سریال برای شما جذاب بود و باعث شد با شخصیت ریحانه ارتباط برقرار کنید؟**

یکی از نکات جذاب فیلمنامه این بود که سریال بر اساس مستندهای واقعی ساخته شده است. این موضوع باعث شد قصه‌ها بسیار ملموس و واقعی باشند. آنچه من از فیلمنامه دریافت کردم، یک کار گروهی با مدیریت صحیح بود و فکر می‌کنم اکنون با واکنش مخاطبان هم می‌توان گفت که قصه‌ها جذاب و صمیمی بوده‌اند. حدود ۹۰ درصد اتفاقاتی که در سریال نمایش داده شده، می‌تواند نسخه‌ی واقعی آن اتفاقات هم باشد. این واقعیت و ریشه گرفتن قصه‌ها از دل جامعه، باعث شده مخاطب ارتباط عاطفی قوی با سریال برقرار کند. همان‌طور که می‌گویند: «سخن وقتی از دل برآید، لاجرم بر دل نشیند.»

**چه جنبه‌ای از شخصیت ریحانه برای شما جذاب بود؟**

شخصیت ریحانه برای من بسیار مادرانه بود. او دختری است که در شرایط سخت و با کمبودها بزرگ شده، اما تحت تربیت مادر مهربان و ایثارگرش، دختری سالم، صبور و پرتلاش شده است. این شخصیت نشان می‌دهد که دختران جامعه ما می‌توانند حتی در شرایط نه چندان ایده‌آل رشد کنند و موفق شوند، به شرطی که محیط زندگی خود را بپذیرند و در جهت بهتر کردن آن تلاش کنند.

**در طول بازی در سریال، کدام لحظه برای شما احساسی‌ترین یا تأثیرگذارترین بود و تجربه‌ی آن چه حسی برایتان ایجاد کرد؟**

برای من لحظه‌ای که واقعاً تأثیرگذار بود، لحظه‌ای بود که احساس کردم شخصی وارد زندگی دخترم می‌شود و عاشق اوست، قرار است مسیر زندگی او را با همراهی خود ادامه دهد. وقتی این سکانس را بازی می‌کردم، بدنم مور مور شد و حسی عجیب پیدا کردم. در آن لحظه واقعاً فهمیدم که برای پدر و مادرها چقدر سخت است که فرزندشان را به دست کسی بسپارند و باور کنند که این اتفاق خواهد افتاد.

لحظه‌ای که قرار شد پسر جوان به عنوان همراه دختر پذیرفته شود، هم دل‌گرم بودم و هم نگران. در همان موقع فکر می‌کردم چقدر جای پدر خالی است و کاش او هم کنار من بود تا کمک کند. لحظه‌ی دیگری که برایم جذاب بود، مربوط به قسمتی است که هنوز پخش نشده. در این بخش، دختر جوانی قصد دارد فرزندش را زودتر از موعد به دنیا بیاورد. مادری که من نقش او را بازی می‌کنم، با درایت و حواس جمع، مراقب همه‌ی امور بود و توانست جان مادر و فرزند را نجات دهد. این لحظه برای من بسیار ارزشمند و آموزنده بود و حس مسئولیت و اهمیت توجه به جزئیات را به خوبی نشان داد.

پردازش کاراکترها، با وسواس زیاد به چند گزینه برای هر نقش رسیدیم. در جلسات متعدد، چه به صورت تلفنی و چه حضوری، با آن گزینه‌ها گفت‌وگو کردیم تا در نهایت به انتخاب همین دوستانه برسیم که حال‌در سریال حضور دارند.

**به نظر شما وجه تمایز این سریال با آثار مشابه تلویزیونی چیست؟**

البته من معتقدم هیچ کاری را نباید با کار دیگر مقایسه کرد؛ چون هر اثر با نگاهی متفاوت ساخته می‌شود. سریال ما با دیدگاهی خاص ساخته شده و طبیعی است که فیلم‌ها و سریال‌های دیگر نیز نگاه متفاوتی داشته باشند. من شخصاً آهل قیاس نیستم، اما اگر بخواهم خلاصه بگویم، وجه تمایز اصلی «رویای ریحانه» در ارتباط صادقانه‌اش با مردم است؛ چون جنس قصه‌ها از دل مردم می‌آید و همین، باعث می‌شود حس واقعی و ملموسی داشته باشد.



مینا نوروزی  
بازیگر:

## نقش ریحانه برای من چالشی جذاب و آموزنده بود

**لطفاً از روند پیوستن خودتان به گروه بازیگران سریال بفرمایید.**

پیشنهاد این نقش در ابتدا از طرف آقای فردین فتاحی، دستیار کارگردان، بود. ایشان در آن مقطع با ما همراه بودند و بعد به دلایل کاری از گروه جدا شدند. اما خود آقای میثم حسن‌زاده، کارگردان پروژه، نیز بر این انتخاب نظر داشتند. ایشان دیدند که مادری صمیمی و تا حدی سنتی در قصه نیاز است و معتقد بودند که من می‌توانم این نقش را ایفا کنم. بنابراین جزو اولین کسانی بودم که به این پروژه پیشنهاد شدم. بعد از این پیشنهاد، قصه را خواندم و درباره آن گفت‌وگو کردیم. شخصیت بسیار دوست‌داشتنی بود؛ مادری مهربان، ایثارگر، مادری که رفیق فرزندش است و حتی جای خالی پدر یا خواهر و برادر را برای فرزندش پر می‌کند. این قابلیت‌ها برای من جذاب بود.

**در جایی گفته بودید که خودتان قبلاً مخالف فرزندآوری بوده‌اید. بازی در این نقش چه چالشی برای شما ایجاد کرد و چطور توانستید با آن کنار بیایید؟**

در گذشته، همیشه نگران شرایط فرزندآوری بودم و فکر می‌کردم بچه باید در شرایطی متولد شود که همه چیز فراهم باشد؛ مسائل اقتصادی، معنوی و شرایط کار باید مناسب باشد. بنابراین مخالف این مسئله بودم، چون عاشقانه فرزند را دوست دارم و می‌خواستم محیط مناسبی برای رشد او فراهم شود. این نقش برای من چالشی جالب بود؛ باید نقش

روایت سریال بر چه ساختاری استوار است و شما برای حفظ ریتم و کشش داستان چه تکنیک‌های کارگردانی به کار بردید؟

سریال «رویای ریحانه» در ساختار اپیزودیک طراحی شد؛ به این معنا که هر قسمت، علاوه بر شخصیت‌های ثابت زایشگاه، کاراکترهای مهمان و داستان مستقل خودش را داشت. محور اصلی روایت، شخصیت ریحانه بود که در دوران رزیدنتی وارد زایشگاه شده و هم‌زمان با بحران تعطیلی آن مواجه می‌شود. برای حفظ ریتم، چند کار اساسی انجام دادم. نخست اینکه ریحانه به‌عنوان راوی کل اثر در نظر گرفته شد. روایت‌های او را در دو بخش تقسیم کردیم؛ بخش آغازین هر قسمت که طرح مسئله یا سؤال را پیش می‌کشد و بخش پایانی که به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری می‌رسید. این کار باعث شد روایت منسجم‌تر شود و ریتم در طول قسمت‌ها دچار ایستایی نشود. همچنین با کاستن از میزان روایت مستقیم روی تصویر، فاصله‌گذاری‌های برشی و شکستن دیوار چهارم را محدود کردیم تا مخاطب همزادپنداری بیشتری را قاصه داشته باشد.

چالش دیگر، تلفیق سکانس‌های درام (ریحانه، مادرش و شخصیت‌های مهمان) با لحظات طنز (ایرج، فرزا، شهرام و احمد حسینی) بود. برای اینکه هارمونی اثر در ژانر حفظ شود، چینش سکانس‌ها را طوری طراحی کردیم که پس از هر صحنه کمدی، سکانس دراماتیک بیاید و بالعکس. این نظم در تدوین هم رعایت شد و جای دارد از موحد شادرو و تیم پست‌پروداکشن تشکر کنم که با دقت و حوصله روی این بخش کار کردند.

**به نظر این تدبیر در حفظ ریتم هم موثر بوده است.**

بله؛ برای حفظ ریتم در اجرا، از قاب‌بندی‌های متنوع، حرکات‌های روان دوربین و در مرحله پست‌پروداکشن از تدوین موسیقی و صداگذاری دقیق بهره بردیم تا اثر از ابتدا تا انتها پرکشش باقی بماند. برای شخصیت اصلی، یعنی ریحانه، پیشنهاد دادیم یک تم موسیقایی اختصاصی طراحی شود تا در لحظات کلیدی داستان شنیده شود و مخاطب ناخودآگاه با این کاراکتر همراه شود. این تم در طول سریال بارها بازآفرینی و با تغییرات جزئی استفاده شد تا هم پیوستگی حفظ شود و هم یکنواختی ایجاد نشود.

**در هدایت بازیگران، تا چه اندازه آزادی عمل به آن‌ها دادید و تا چه حد کاراکترها را طبق نگاه خودتان شکل دادید؟**

من همیشه باور دارم که بازیگر باید امکان تجربه و خلق شخصیت را داشته باشد. برای هر نقش، ابتدا شناسنامه دقیق و جزئیات شخصیت را توضیح می‌دهم، اما بعد در تمرین‌ها به بازیگر اجازه می‌دهم ایده‌های خودش را وارد کند.

**برخی معتقدند سریال‌های خانوادگی تلویزیونی دچار تکرار الگوها شده‌اند؛ شما در «رویای ریحانه» چه تلاشی کردید تا این چرخه تکراری شکسته شود؟**

ما آگاه بودیم که سریال‌های خانوادگی معمولاً به الگوهای تکراری گرفتار می‌شوند. تلاش کردیم «رویای ریحانه» تنها درباره اختلافات یا درام‌های مرسوم خانوادگی نباشد، بلکه به مفاهیمی مثل تولد، امید، رؤیاهای و حتی ترس‌های پیش از مادر شدن بپردازد.

همین موضوع باعث شد قصه زاویه‌ای متفاوت داشته باشد. از طرف دیگر، ترکیب ژانر درام و کمدی در دل زایشگاه، تجربه تازه‌ای بود که به نوعی بافت کلیشه‌ای این نوع سریال‌ها را شکست.

